

کتاب دانیال - شماره صد و شانزده

پرده برداری از روزهای انتقام: کاوشی پیامبرانه در هشدار ارمیا و آخرین نسل

Jeff Pippenger

2024-03-04

در مقاله پیشین باب پنجاه ارمیا را بررسی می‌کردیم، و در آن بخش از داوری بر بابل سخن رفت؛ داوری‌ای که با قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده برقرار می‌شود آغاز می‌گردد و با خشم خدا پایان می‌یابد. داوری اجرایی همان روز انتقام خداوند است که به وسیله ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی نمایانده شد. ویرانی اورشلیم که در سال ۷۰ میلادی به دست روم انجام شد، پیش‌تر به وسیله ویرانی اورشلیم به دست نبوکدنصر نمونه‌وار شده بود. آن دو با هم دو شاهد برای داوری اجرایی بر فاحشه‌ی صور، که همان فاحشه‌ی باب هفده مکاشفه نیز هست، فراهم آوردند.

ارمیا به ما خبر می‌دهد که وقتی انتقام خداوند از بابل امروزی به انجام رسد — که با قانون یکشنبه‌ای که به زودی می‌آید آغاز می‌شود — «در آن ایام و در آن زمان، خداوند می‌گوید: تقصیر اسرائیل را خواهند جست و نخواهند یافت، و گناهان یهود را نیز خواهند جست، و یافت نخواهند شد؛ زیرا آنان را که نگاه داشته‌ام، خواهم آمرزید.» در آن ایام، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر از پیش انجام شده خواهد بود.

ای برادران، در کار بزرگ آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌کنند. اما آنان که به خود بی‌اعتمادند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند، اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و خود را برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌کنند. هنگامی که فرمان صادر شود و مهر نهاده گردد، سیرت آنان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند. شهادتات، جلد ۵، صفحه ۲۱۶.

داوری اجرایی با صدای دوم باب هجدهم مکاشفه آغاز می‌شود؛ همان صدایی که مردان و زنان را به گریز از بابل فرا می‌خواند، و ارمیا می‌گوید: «روزشان فرا رسیده است، زمان مجازاتشان. آواز کسانی که از سرزمین بابل می‌گریزند و می‌رهند، تا در صهیون انتقام خداوند خدای ما، انتقام هیکل او را اعلام کنند. کمانداران را بر ضد بابل گرد آورید: ای همه شما که کمان را می‌کشید، گرداگرد آن اردو بنزید؛ مگذارید هیچ‌کس از آن بگریزد؛ او را بر حسب اعمالش جزا دهید؛ مطابق هرآنچه کرده است، با او رفتار کنید.» داوری او به دست «کمانداران» به انجام می‌رسد. نخستین اشاره به یک کماندار در کتاب مقدس درباره اسماعیل است.

و خدا صدای آن پسر را شنید؛ و فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا داد و به او گفت: «تو را چه شده است، هاجر؟ مترس، زیرا خدا صدای آن پسر را همان‌جا که هست شنیده است. برخیز، پسر را بلند کن و او را به دست خویش بگیر، زیرا از او امتی بزرگ پدید خواهم آورد.» و خدا چشمان او را گشود و او چاه آبی دید؛ پس رفت و مشک را از آب پر کرد و به پسر آب داد. و خدا با آن پسر بود؛ و او بزرگ شد و در بیابان ساکن شد و کماندار شد. پیدایش ۲۱:۱۷-۲۰.

«ساعت زلزله بزرگ» در مکاشفه یازده آغاز داوری اجرایی بر فاحشه روم را مشخص می‌کند؛ داوری‌ای که با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع در ایالات متحده آغاز می‌شود. در آن «ساعت»، «وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم شیپور را نواخت.» وای سوم همان شیپور هفتم است. این تیراندازان اسلام‌اند که به کار گرفته می‌شوند تا داوری او را بر کسانی بیاورند که علامت اقتدار پاپی (عبادت یکشنبه) را تحمیل می‌کنند و کسانی را که علامت اقتدار خدا (عبادت سبت) را پاس می‌دارند آزار می‌دهند.

در باب بیست و یکم لوقا، عیسی در پاسخ به پرسش‌های شاگردان دربارهٔ ویرانی اورشلیم و هیکل، روایتی تاریخی ارائه می‌کند که تاریخ ایام آخر را نیز بازمی‌نمایاند. او به «ایام انتقام» اشاره می‌کند؛ ویژگی‌ای نبوی و اساسی در خدمت او به‌عنوان مسیح که آن را در اعلام آغاز خدمتش، با خواندن از نبی اشعیا برای کلیسای ناصره، مشخص ساخت. آن اعلام در ناصره و آن فراز از اشعیا نه تنها نمایانگر خدمت او بود، بلکه بیانگر پیام شاگردانش، و مشخص‌تر از آن، کار و خدمت جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر نیز بود.

روح خداوند بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به فروتنان مژده نیکو رسانم؛ مرا فرستاده است تا دل‌شکستگان را التیام بخشم، برای اسیران آزادی اعلام کنم، و برای بندشدگان گشایش زندان؛ تا سال پسندیده خداوند و روز انتقام خدایمان را اعلام کنم؛ تا همه سوگواران را تسلی دهم؛ تا برای سوگواران صهیون مقرر کنم که به جای خاکستر، زیبایی به آنان داده شود؛ به جای ماتم، روغن شادمانی؛ و به جای روح اندوه، جامه ستایش؛ تا درختان عدالت خوانده شوند، غرس خداوند، تا او جلال یابد. و ایشان خرابه‌های دیرین را بنا خواهند کرد، ویرانی‌های گذشته را برپا خواهند داشت، و شهرهای ویران نسل‌های بسیار را بازسازی خواهند کرد. و بیگانگان گله‌های شما را خواهند چرانید، و فرزندان بیگانگان برای شما شخم‌زن و انگورکار خواهند بود. اما شما «کاهنان خداوند» نامیده خواهید شد؛ مردم شما را «خدامان خدای ما» خواهند خواند؛ ثروت امت‌ها را خواهید خورد و در جلال ایشان فخر خواهید کرد. به جای ننگ شما، دوچندان خواهید داشت؛ و به جای رسوایی، در سهم خود شادمان خواهید شد؛ از این رو در سرزمین خود دو برابر را به تصرف خواهند آورد؛ شادمانی جاودان نصیب ایشان خواهد بود. زیرا من، خداوند، عدالت را دوست می‌دارم؛ از چپاول برای قربانی سوختنی بیزارم؛ و کار ایشان را در راستی هدایت خواهم کرد، و با آنان عهدی جاودانی خواهم بست. و نسل ایشان در میان امت‌ها شناخته خواهد شد و فرزندانشان در میان قوم‌ها؛ هر که آنان را ببیند، اقرار خواهد کرد که ایشان نسلی هستند که خداوند برکت داده است. من در خداوند بسیار شادمان خواهم بود؛ جانم در خدایم وجد خواهد کرد؛ زیرا مرا به جامه‌های نجات پوشانیده و با ردای عدالت دربر گرفته است؛ چنان‌که داماد به زیور آراسته می‌شود و عروس به جواهرات خویش زینت می‌یابد. زیرا همان‌گونه که زمین جوانه خود را می‌رویاند و باغ آنچه را در آن افشاند، می‌رویاند، خداوند خدا نیز عدالت و ستایش را در برابر تمام امت‌ها خواهد رویانید. اشعیا ۶۱: ۱-۱۱

آن صد و چهل و چهار هزار نفری که در باب نهم حزقیال مَهر شده‌اند، همانانی هستند که بر گناهان در کلیسا و در جهان سوگواری می‌کنند. «سال پسندیده خداوند و روز انتقام خدای ما»، زمانی است که سوگواران صهیون تسلی می‌یابند و به «درختان عدالت» بدل می‌شوند تا «خداوند را جلال دهند». آنان خداوند را جلال می‌دهند، زیرا «در آن روزها و در آن زمان، خداوند می‌گوید، گناه اسرائیل جستجو خواهد شد و دیگر یافت نخواهد شد». همین سوگواران همان مهرشدگان‌اند و آنان کسانی‌اند که «خرابه‌های کهن را خواهند بنا کرد»، که «ویرانی‌های پیشین را از نو برپا خواهند کرد»، و که «شهرهای ویران، ویرانی‌های نسل‌های بسیار را مرمت خواهند کرد». آنان «کاهنان خداوند نامیده خواهند شد» و مردم آنان را «خدامان خدای ما» خواهند خواند.

عدالت آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر قرار است «در برابر همهٔ امت‌ها بروید»، زمانی که ایشان در هنگام زلزله عظیم همچون علمی برافراشته شوند. عدالت آنان به تدریج رویانده می‌شود، زیرا «چنان‌که زمین غنچه خود را برمی‌آورد و چنان‌که باغ چیزهای کاشته‌شده در آن را می‌رویاند، چنین خداوند خدا عدالت و تسبیح را خواهد رویانید». مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار با فرارسیدن باران پسین در ۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. در همان هنگام بود که غنچه‌های زمین سر برآوردند. اشعیا مشخص می‌کند که غنچه‌ها چه زمانی سر برمی‌آورند.

به اندازه، چون بروید، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد خشن خویش را در روز باد شرقی بازمی‌دارد. از این رو گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و این است تمام ثمره برای برداشتن گناه او: زمانی که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های آهکی درهم‌کوبیده سازد، درختستان‌ها و تماثیل برپا نخواهند ماند. اشعیا ۸:۲۷، ۹.

در «روز باد شرقی» که «باد سخت» اوست و او آن را «بازمی‌دارد»، «سر برآوردن» جوانه‌ها آنگاه آغاز خواهد شد که باران «سنجیده» باشد. «Stayeth» به معنای «مهار کردن» است. وقتی چهار باد به وسیله چهار فرشته باب هفتم مکاشفه مهار شوند، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار آغاز می‌شود. در آن زمان باران پسین به اعتدال و به صورت «نم‌نم» آغاز به باریدن می‌کند، زیرا واژه «measure» در آیه به معنای «اعتدال» است. در آغاز دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، باران پسین به اندازه است، و در پایان آن دوره، بی‌اندازه است.

فیضان عظیم روح خدا که با جلال خویش تمام زمین را روشن می‌سازد، تا زمانی که مردمی روشن شده نداشته باشیم که از راه تجربه بدانند همکار بودن با خدا یعنی چه، نخواهد آمد. هنگامی که وقف و تقدیم کامل دل و جان به خدمت مسیح داشته باشیم، خدا این واقعیت را با افاضه بی‌حد و حصر روح خود نشان خواهد داد؛ اما تا وقتی که بخش اعظم کلیسا همکاران خدا نباشند، چنین نخواهد شد. خدا نمی‌تواند روح خود را افاضه کند وقتی خودخواهی و لذت‌طلبی این چنین آشکار است؛ زمانی که روحیه‌ای مستولی است که اگر به سخن درآید، همان پاسخ قابیل را بیان می‌کند: «مگر من نگهبان برادرم هستم؟» اگر حقیقت مربوط به این زمان—اگر نشانه‌هایی که از هر سو فزونی می‌گیرند و شهادت می‌دهند که پایان همه چیز نزدیک است—برای برانگیختن نیروی خفته کسانی که مدعی شناخت حقیقت‌اند کافی نباشد، آنگاه تاریکی‌ای متناسب با نوری که می‌تابیده است این نفوس را فرا خواهد گرفت. در روز بزرگ حسابرسی نهایی، هیچ‌گونه عذری برای بی‌تفاوتی‌شان نخواهند داشت که بتوانند به خدا ارائه کنند. هیچ دلیلی برای عرضه کردن نخواهد بود که چرا در پرتو حقیقت مقدس کلام خدا زندگی نکردند، سلوک نمودند و کار نکردند، و بدین‌سان از طریق رفتار، همدلی و غیرت خود به جهانی که به سبب گناه در تاریکی است نشان دهند که قدرت و واقعیت انجیل انکارناپذیر است. ریویو و هرالده، ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۶.

دوره آزمایش باران دیر هنگام و مهر شدن صد و چهل و چهار هزار، با سنجش میزان افاضه روح القدس آغاز می‌شود، زیرا گندم و زوان به زمان درو رسیده‌اند. باران هر دو گروه را به بلوغ می‌رساند؛ سپس در پایان دوره آزمایش، گندم و زوان از هم جدا می‌شوند، و آنگاه گندم «به تجربه خواهند دانست که همکار بودن با خدا چه معنایی دارد». سپس «وقف کامل و یک‌دلانه برای خدمت مسیح خواهند داشت، و خدا این واقعیت را با افاضه بی‌حد و اندازه روح خود به رسمیت خواهد شناخت».

روز "باد سخت شرقی" در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، و مجادله حقیق بر سر پیام جعلی "صلح و امنیت" منتسب به پیام "باران پسین"، در برابر پیامی که روز انتقام خدا را نشان می‌داد، آغاز شد. در آن هنگام، گیاهان، هم‌گندم و هم‌علف‌های هرز، شروع به جوانه زدن کردند و به بار آوردن میوه‌ای که آن را در داوری قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد آشکار خواهند کرد.

«بار دیگر، این مثل‌ها می‌آموزند که پس از داوری دیگر مهلت توبه‌ای در کار نخواهد بود. هنگامی که کار انجیل به پایان برسد، بلافاصله جدایی میان نیکان و بدان صورت می‌گیرد و سرنوشت هر گروه برای همیشه تعیین می‌شود.» درس‌های عینی مسیح، ۱۳۳.

در حزقیال باب هشتم، یک گروه به خورشید سجده می‌کند و در حزقیال باب نهم، گروه دیگر مهر خدا را دریافت می‌کند. در لوقا باب بیست‌ویکم، مسیح یکصد و چهل و چهار هزار نفر را مشخص می‌کند و نشانه‌ای را بیان می‌کند که آخرین نسل تاریخ زمین را مشخص می‌سازد. او نشانه‌ای را تعیین کرد که مسیحیان باید آن را تشخیص دهند تا از ویرانی اورشلیم بگریزند.

و چون ببینید که اورشلیم با لشکرها محاصره شده است، بدانید که ویرانی آن نزدیک است. آنگاه کسانی که در یهودیه‌اند به کوه‌ها بگریزند؛ و آنان که در میان آن هستند بیرون روند؛ و آنان که در نواحی‌اند به آن داخل نشوند. زیرا اینها روزهای انتقام‌اند تا همه آنچه نوشته شده است تحقق یابد. لوقا ۲۱:۲۰-۲۲.

عیسی «سطر به سطر» ویژگی‌های نبوی بیشتری از آن نشانه را برشمرد، زیرا سخنان او را نه تنها لوقا، بلکه متی و مرقس نیز ثبت کرده‌اند.

و این بشارت ملکوت در سراسر جهان به عنوان شهادتی برای همه قوم‌ها موعظه خواهد شد؛ و آنگاه پایان خواهد آمد. پس چون شما رجس ویرانی را که دانیال نبی از آن سخن گفته است در مکان مقدس ایستاده ببینید (هر که می‌خواند، بفهمد)، آنگاه کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها بگریزند. متی ۱۴:۲۴-۱۶.

و نخست باید انجیل در میان همه قوم‌ها اعلان شود. اما چون شما را ببرند و تسلیم کنند، پیشاپیش در اندیشه آنچه خواهید گفت مباحثید و از قبل آن را تدارک نکنید؛ بلکه هر آنچه در همان ساعت به شما داده شود، همان را بگویید، زیرا این شما نیستید که سخن می‌گویید، بلکه روح‌القدس است. و برادر، برادر را تا مرگ تسلیم خواهد کرد، و پدر، پسر را؛ و فرزندان بر والدین خود برخواهند خاست و سبب خواهند شد که آنان به قتل برسند. و به خاطر نام من، همگان از شما نفرت خواهند داشت؛ اما هر که تا پایان پایداری کند، همان نجات خواهد یافت. و چون «رجس ویرانی» را که به وسیله دانیال نبی گفته شده است، ایستاده در جایی که نباید باشد، ببینید (خواننده دریابد)، آنگاه آنان که در یهودیه‌اند به کوه‌ها بگریزند. مرقس ۱۳:۱۰-۱۴.

پیش از آن که هفت بلای آخر، که تحقق نهایی و کامل «ایام انتقام» است، بر دو گروه فرود آید، باید انجیل ملکوت در میان همه ملت‌ها موعظه و اعلام شود. پیام انجیل در هنگام قانون قریب‌الوقوع یکشنبه در ایالات متحده آمریکا به ملت‌ها داده می‌شود، زمانی که صد و چهل و چهار هزار نفر همچون علمی برافراشته می‌شوند. «ایام انتقام» نمایانگر دوره داوری اجرایی فاحشه بابل است؛ دوره‌ای که با قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا آغاز می‌شود و هنگامی پایان می‌یابد که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت بشر بسته می‌شود، و خشم خدا در هفت بلای آخر ریخته می‌شود.

دوره زمانی همان «ساعتی» است که مرقس مشخص می‌کند، و «ساعتی» «زلزله بزرگ»، و «ساعتی» که ده پادشاه توافق می‌کنند پادشاهی هفتم خود را به نهاد پاپی واگذارند. وقتی آخرین جان انجیلی را که به همه ملت‌ها منتشر شده است بپذیرد، دوره مهلت پایان می‌یابد و خشم خدا بی‌هیچ رحمت فرو ریخته می‌شود. آن دوره با اعلام انجیل به همه ملت‌ها، به هنگام برافراشته شدن بیرق، آغاز می‌شود و وقتی پایان می‌یابد که آخرین شخص به پیام انجیلی که به وسیله بیرق اعلام، موعظه و منتشر می‌شود پاسخ دهد. آن دوره زمانی همان «ایام انتقام» است.

در انجیل لوقا، فصل بیست‌ویکم، عیسی آن مقطع از تاریخ را به دقت مشخص می‌کند، زیرا او نسل نهایی را معین می‌کند؛ نسلی که پیش از بازگشت دوم او نخواهد مرد. او نشانه‌ای را معرفی می‌کند که همان «پلیدی ویرانگر»ی است که دانیال نبی از آن سخن گفته است. آن نشانه هنگامی است که این پلیدی ویرانگر در "جای مقدس" بایستد و "در جایی که نباید" ایستاده باشد؛ و نیز زمانی که اورشلیم "با لشکرها محاصره شده" باشد.

هنگامی که اورشلیم در سال ۶۶ به دست سستیوس به وسیله سپاهیان محاصره شد، مسیحیان اورشلیم از شهر گریختند و خواهر وایت بیان می‌کند که در جریان ویرانی‌ای که سرانجام در سال ۷۰ پایان یافت، حتی یک مسیحی نیز جان خود را از دست نداد. سستیوس محاصره‌ای را آغاز کرد و سپس به دلایل ظاهراً نامعلوم عقب‌نشینی نمود، و مسیحیان شهر مطابق هشدار مرتبط با آن نشانه

گریختند. در سال ۷۰، تیتوس با آغاز دوباره محاصره، کار ویرانی را به پایان رساند. محاصره سستیوس آغاز آنچه «جنگ نخست یهودی-رومی» نامیده می‌شود بود، و محاصره و ویرانی انجام‌شده به دست تیتوس پایان جنگ نخست یهودی-رومی بود.

تمام آن دوره سه سال و نیم طول کشید، با محاصره‌ای آغاز شد و با محاصره‌ای پایان یافت، و آغازش نشانه‌ای برای قوم خدا در بر داشت. آن دوره را مسیح «روزهای انتقام خدا» معرفی کرد؛ عنصری مشخص که می‌بایست در خدمت خود بدان اشاره کند. آن روزها نمایانگر داوری اجرایی بر فاحشه روم است که با قانون قریب‌الوقوع یکشنبه آغاز می‌شود و هنگامی که مهلت آزمایشی بشر بسته می‌شود، پایان می‌یابد. در آغاز داوری اجرایی فاحشه بابل، صد و چهل و چهار هزار نفر چون بیرقی برافراشته می‌شوند که خود نشانه‌ای است. وقتی رمه دیگر خدا آن نشانه را ببینند، باید از بابل بگریزند؛ بابل که نابودی‌اش با نابودی اورشلیم نمونه‌وار نشان داده شد.

ما در مقاله بعدی به بررسی باب بیست‌ویکم لوقا ادامه خواهیم داد.